

تحلیل سیاسی هفته (۳۰) فرصت‌ها و تهدیدهای خروج آمریکا از عراق

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۰۶۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۶

خروج نیروهای آمریکایی از عراق که طبق برنامه اعلامی قرار است در سال جاری میلادی پایان یابد می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران هم فرصت و هم تهدید باشد، البته مشخص نیست که تا چه حد این برنامه واقعی است. با این وجود با واقعی تلقی کردن این خبر باید آن را همچون سایر رویدادهای سیاسی که دارای ابعاد و سطوح مختلف و همچنین تهدیدات و فرصت‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران هستند ارزیابی کرد. حضور نیروهای آمریکایی در عراق و چالش‌ها و ناکامی‌های جدی و تأثیرگذار آن در این کشور نه تنها مهمترین اقدام و مسئله آمریکا در خاورمیانه، بلکه اصلی‌ترین دغدغه سیاست خارجی این کشور در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود.

عراق کانون اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در طول یک دهه گذشته بوده و بر این اساس است که استدلال می‌شود در دوره بعد از یازده سپتامبر تمرکز سیاست آمریکا در خاورمیانه از حوزه غربی و حاشیه مدیترانه به حوزه شرقی، یعنی خلیج فارس منتقل شده است. آمریکا از ابتدای حمله به عراق، این کشور را نقطه آغازین و گام اول ایجاد تغییرات اساسی در منطقه خاورمیانه و در قالب طرح خاورمیانه بزرگ قرار داد. هرچند موفقیت آمریکا در عراق می‌توانست به موفقیت گسترده‌تر آن کشور در خاورمیانه و پیشبرد اهداف و منافع آن در منطقه منجر شود، اما ناکامی‌های آمریکا در این کشور، ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای نیز دارد که در مسائل و حوزه‌های مختلف تأثیرات خود را نشان می‌دهد.

حمله آمریکا به عراق، حضور و انجام فعالیت‌های گوناگون در این کشور در طول سال‌های گذشته و همچنین روند کنونی خروج نیروهای آمریکایی از عراق، تنها در چارچوب تحولات کلی منطقه خاورمیانه و نیز بررسی مشکلات داخلی آمریکایی‌ها قابل تبیین است. در شرایط جدید، مسئله عمده بازیگری و نقش‌آفرینی کشورهای منطقه و تشدید تأثیرگذاری آنها در مسائل منطقه‌ای از جمله تشکیل دولت در عراق است.

نیاز آمریکا به بازتعریف حضور و نقش‌آفرینی خود در شرایط جدید منطقه‌ای، به استراتژی اوباما در منطقه و تأکید بر قدرت هوشمند منجر شد که یکی از ابعاد آن خروج نظامی از عراق بوده است. شرایط جدید فرصت‌ها و تهدیداتی را برای ایران به‌ویژه در رقابت با ترکیه و نیز تحولات اخیر جهان اسلام ایجاد می‌کند که در ذیل به پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

فرصت‌ها

بسیاری، خروج نظامیان آمریکا از عراق را رویدادی کاملاً مثبت و در راستای منافع امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. به باور این افراد، اصولاً خروج آمریکا از عراق و هر کشور دیگری در خاورمیانه، مطابق با سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران مبنی بر خروج بیگانگان از منطقه است.

خروج آمریکا از عراق عمدتاً شیعه به معنای گسترش نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور و قدمی دیگر برای ایجاد نظم دلخواه ایران به جای نظم آمریکایی در کل خاورمیانه خواهد بود.

خروج نیروهای آمریکایی از عراق باعث دور شدن آنها از مرزهای غربی و در نتیجه افزایش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

تهدیدات

علیرغم این فرصت‌ها و ابعاد مثبت، به‌نظر می‌رسد خروج نیروهای آمریکایی از عراق می‌تواند در ابعاد دیگری امنیت جمهوری اسلامی ایران را با تهدیداتی جدی مواجه سازد.

این مسئله می‌تواند باعث کاهش دغدغه‌های آمریکا در خاورمیانه، دور شدن سربازان آمریکایی از عوامل تهدید، افزایش تمرکز اطلاعاتی و امنیتی آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران، کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی حضور آمریکا در خاورمیانه و تغییر در شرایط امنیتی عراق شود که این موارد کم‌وبیش در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد.

اول، استقرار سربازان آمریکایی در عراق در چارچوب رقابت و خصومت کلان بین ایران و آمریکا، یکی از نقاط ضعف ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که هرگونه تهدید و یا عملیاتی علیه جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای گسترده‌ای برای آنها به‌ویژه در عراق خواهد داشت.

دوم، با خروج نیروهای آمریکایی از عراق و در نتیجه کاهش تمرکز آمریکا نسبت به این کشور، عملاً شرایط برای تمرکز بر ایران، به‌خصوص در شرایطی که اتهامات واهی جدیدی علیه این کشور از سوی مقامات آمریکایی وارد شده است مهیا می‌شود. واقعیت آن است که تاکنون بخش مهمی از توجه دولت و به‌خصوص دستگاه سیاستگذاری آمریکا بر عراق متمرکز بوده است. آمریکایی‌ها طی چند روز گذشته با بهره‌برداری از جو ایجاد شده ناشی از طرح اتهامات واهی، به‌دنبال تشدید فشارها درخصوص پرونده هسته‌ای بر جمهوری اسلامی و تضعیف موضع روسیه و چین در شورای امنیت بوده‌اند.

سوم، خروج آمریکا از عراق باعث کاهش هزینه‌های مادی حضور این کشور در منطقه خاورمیانه می‌شود. تاکنون هزینه‌های گسترده عملیات‌های نیروهای آمریکایی در عراق برای این کشور مشکلات مهمی در عرصه داخلی ایجاد کرده است. بدون تردید بخشی از مشکلات اقتصادی آمریکا ناشی از حضور نظامی گسترده این کشور در عراق و افغانستان است.

چهارم، مسئله خروج در کاهش هزینه‌های غیرمادی آمریکا نیز مؤثر است که شامل کاهش فشار افکار عمومی منطقه و حتی خود آمریکا علیه اشغال‌گری این کشور در عراق است. بر این مبنا، خروج آمریکا از عراق می‌تواند وضعیت نه‌چندان مناسب این کشور نزد افکار عمومی خاورمیانه و همچنین افکار عمومی آمریکا را بهبود ببخشد و پس از این تظاهرات و اعتراضات ضدجنگ و اشغال کم‌رنگ شود. از سوی دیگر خروج آمریکا از عراق کم‌وبیش با پایان عملیات ناتو در لیبی هم‌زمان شده است تا نشانگر نوعی موفقیت برای آمریکا در صحنه نظامی و سیاسی خاورمیانه باشد. این مسئله می‌تواند این احساس کاذب را در مردم و دستگاه سیاستگذاری آمریکا تقویت کند که ابزار نظامی همچنان ابزاری کارآمد در سیاست خارجی است.

پنجم، خروج سربازان آمریکایی از عراق به معنای خروج آنها از منطقه خاورمیانه نیست. بسیاری از این نیروها قرار است در سایر کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به خدمت خود ادامه دهند. با توجه به این شرایط، خروج نیروهای آمریکایی از عراق، فقط آنها را در برابر تهدیداتی که تاکنون با آن مواجه بوده‌اند ایمن می‌کند. در مقابل آنها همچنان در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران باقی خواهند ماند. به‌عنوان نمونه آمریکا تنها در ۶ کشور عربی منطقه یعنی قطر، عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات و عمان ۲۱ پایگاه نظامی در اختیار دارد که هم‌اکنون از بزرگ‌ترین مراکز تأمین و تجهیز ارتش این کشور در منطقه محسوب می‌شوند. این دولت‌ها این توانایی را به آمریکایی‌ها داده‌اند که در سراسر منطقه به‌گونه‌ای زنجیروار استقرار یابند و امکان تحرک عملیاتی و راهبردی این کشور را در منطقه افزایش دهند.

ششم، با توجه به اخبار و اطلاعات موجود دستکم ۵۵۰۰ آمریکایی در قالب دیپلمات، مربی نظامی، پیمانکار و کادر اطلاعاتی همچنان در عراق حضور خواهند داشت. بنابراین ادعای خروج آمریکا از عراق ترفندی است برای ادامه حضور آمریکا در عراق. با این ترفند، در عمل بخش بزرگی از نیروهای آمریکایی در پوشش‌ها و عناوین جعلی و موهوم و برای مقاصد اطلاعاتی و امنیتی در عراق باقی خواهند ماند.

هفتم، خروج نیروهای آمریکایی از عراق باعث تغییر در شرایط امنیتی این کشور خواهد شد. از جمله اینکه شکل و ماهیت اقدامات تروریستی در این کشور تغییر خواهد کرد. تا پیش از این عملیات‌های تروریستی و بی‌ثبات‌ساز عمدتاً ماهیت ضد اشغالگری و در مرحله بعد اهداف قومی، مذهبی و فرقه‌ای داشت. با خروج نیروهای آمریکایی احتمالاً بر ابعاد قومی، مذهبی و

فرقه‌ای تأکید بیشتری خواهد شد و ماهیت این خشونت‌ها بیشتر رنگ سیاسی خواهد گرفت. در نتیجه این امر دولت شیعی عراق با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد و بر شدت و حدت اختلافات بین اعراب سنی، اعراب شیعه و کردها افزوده می‌شود. این مسئله می‌تواند در بلندمدت عراق را از نظر یکپارچگی سیاسی با مشکلات جدی مواجه سازد و در نهایت این کشور را با مشکل خودمختاری بیش از حد بخش‌های مختلف و در نهایت فروپاشی مواجه سازد. ایجاد چنین شرایطی به هیچ عنوان در راستای منافع ملی ایران و حتی ترکیه قرار ندارد.

هشتم، معضل و چالش اساسی بعد از خروج نیروهای آمریکایی، ساختن یک کشور یا یک ملت خواهد بود و ایجاد دولتی که بتواند ثبات و امنیت را در عراق برقرار کند. در جامعه تقسیم شده‌ای مانند عراق، چالش‌های عمده‌ای برای ایجاد دموکراسی وجود دارد. اولین چالش، قوی‌تر بودن منافع گروه‌ها از منافع ملی است. گروه‌ها در جهت اداره بهتر کشور با هم رقابت نمی‌کنند، بلکه رقابت آنها برای دستیابی به حداکثر کرسی‌هاست و رأی مردم براساس تمایلات قومی و مذهبی است.

نهم، در عراق هویت‌های قومی - مذهبی کردی، سنی و شیعی بر هویت ملی عراقی غلبه دارد. بر این اساس گروه‌های عراقی با کشورهایایی که امتداد قومی، مذهبی و سیاسی آنان هستند ارتباط برقرار می‌کنند. اقلیت‌های داخل عراق به‌منظور دستیابی به جایگاه بالاتر در داخل، سعی می‌کنند از اهرم‌های خارجی به نفع خود استفاده و دوستان خود را به ورود در مباحث عراق ترغیب کنند. علاوه بر این، اختلاف‌ها و شکاف‌های داخلی مانع از تشکیل ارتش قوی در عراق می‌شود.

دهم، تهدید دیگر نوع نظام سیاسی عراق است که یک فدرالیسم در سطح ملی نیست و تنها یک منطقه فدرال در شمال عراق وجود دارد که تضمین‌کننده امتیازات و اختیارات گسترده‌تر کردهاست. این عدم تعادل موجب امتیازگیری‌های مضاعف کردها در دوره‌های مختلف از جمله در روند تشکیل دولت در عراق بوده است.

یازدهم، بخشی از مشکلات عراق درخصوص تمامیت ارضی و مسائل مرزی است که این معضلات تاکنون حل و فصل نشده‌اند و می‌توانند به چالش‌هایی برای عراق بعد از خروج نیروهای آمریکایی منجر شوند. مسائل مرزی کویت و عراق هنوز حل نشده و ممکن است در آینده حتی به تداوم روابط تیره و چالش بین دو کشور بیانجامد. درخصوص مسائل مرزی ایران و عراق نیز به‌رغم برخی توافقات، هنوز اقدام رسمی و جدی برای تثبیت مرزها براساس معاهده ۱۹۷۵ انجام نشده است. علاوه بر این موارد، نگرانی ترکیه از کردها و مسائل شمال عراق نیز می‌تواند به تهدید تمامیت ارضی عراق منجر شود.

دوازدهم، نزاع سیاسی میان گروه‌ها ممکن است به زنده شدن نزاع تاریخی شیعه و سنی منجر شود و این نزاع تاریخی می‌تواند به ورای مرزهای عراق نیز سرایت کند. منازعات قدرت در عراق، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسیار سخت و پرچالش خواهد بود و با توجه به ویژگی‌ها و ابعاد مذهبی و قومی این کشور، چشم‌انداز مبهمی را نشان می‌دهد.

دلایل خروج آمریکا از عراق

۱. وعده‌های انتخاباتی اوباما: اوباما تلاش می‌کند تا به‌عنوان رئیس‌جمهوری خوش‌قول، اعتبار لازم را برای دور بعدی و برای انتخابات ماه نوامبر کنگره آمریکا کسب کند.

۲. انتخابات کنگره: در شرایط فعلی آمریکا حزب حاکم نیازمند برگ برنده جدیدی است که تا حد زیادی نارضایتی عمومی ناشی از استمرار وضع بد اقتصادی را جبران کند. از جمله در عرصه سیاست خارجی، این حزب در تلاش است تا مهمترین چالش سیاست خارجی آمریکا در این عرصه را سروسامان بخشد.

۳. کاهش محبوبیت اوباما: نظرسنجی‌ها در سال آخر دوران ریاست‌جمهوری اوباما نشان می‌دهد که محبوبیت وی روند نزولی پیدا کرده و این امر، در میان رؤسای جمهور آمریکا در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه است.

۴. افکار عمومی آمریکا: افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و آمار تلفات نیروهای آمریکایی باعث شده است تا افکار عمومی مخالف جنگ و خواهان خروج کامل سربازان آمریکایی از عراق برای خروج فشار بیشتری را وارد کنند.

۵. وضعیت وخیم اقتصادی آمریکا: به عقیده بسیاری از کارشناسان، بروز بحران اقتصادی تا اندازه‌ای به‌واسطه بروز جنگ عراق و افغانستان بود. براساس این دیدگاه افزایش بهای نفت و وارداتی منجر به خروج دلارها از سیستم مالی شد. همچنین هزینه‌های

پرداختی عملیات نظامی در عراق افزایش یافت. از دید محافل داخلی آمریکا، جنگ در عراق نه تنها توانایی آمریکا برای کنترل بحران را کم تر کرد، بلکه باعث شد بحران اقتصادی به درازا بیانجامد، بیکاری افزایش یابد و کسری بودجه از آنچه تصور می شد، بسیار فراتر رود. از این رو به نظر می رسد شرایط اقتصادی آمریکا در شرایطی نیست که این کشور بتواند در عراق باقی بماند و از طرف دیگر بتواند مخارج جنگ در افغانستان را تأمین کند. این اعتراضات با تشدید جنبش وال استریت قوت بیشتری یافته که اخیراً به چالش بزرگ نظام سرمایه داری نیز بدل شده است.

۶. **ظرفیت نظامی آمریکا:** تا پیش از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، این کشور مجبور بود در دو جبهه عراق و افغانستان امکانات و نیروهای مورد نیاز خود را تأمین کند که این امر تا حد زیادی به توان ارتش در انجام عملیات های طولانی مدت صدمه زده است. در خصوص هزینه های جنگ نیز آمریکایی ها برآورد کرده اند که تا سال ۲۰۱۱ و زمان خروج نیروها، هزینه های این کشور در عراق بالغ بر ۸۰۲ میلیارد دلار خواهد شد.

نتیجه گیری

خروج نیروهای آمریکایی از عراق، مرحله مهمی در روند سیاسی و امنیتی عراق و منطقه و بالطبع جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود که از علل و تحولات مختلفی ناشی می شود و پیامدها و نتایج خاص خود را نیز دارد. شرایط خاص و جدید آمریکا در منطقه و مجموع تحولات خاورمیانه نقش عمده را در خصوص خروج نیروهای آمریکایی از عراق دارد.

شرایط عراق در مرحله خروج نیروهای آمریکایی و بعد از آن نیز مسئله مهمی تلقی می شود. منازعات قومی و فرقه ای در عراق، ادامه اختلافات میان گروه های سیاسی، دمکراسی توافقی، سیستم نیمه فدرالی نیمه متمرکز، مسائل و مشکلات مرزی و تمامیت ارضی عراق از جمله مسائل مهمی است که آینده سیاسی و دمکراسی عراق را مبهم نشان می دهد. شرایطی که می تواند عراق را از یکسو به عنوان بازیگری ثبات ساز و توازن بخش و از سوی دیگر، کشوری چالش آفرین و عامل تنش در منطقه مطرح سازد.

در این چارچوب به نظر می رسد، هر چند اوباما سی ام مهرماه خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا از عراق را اعلام کرد، اما آمریکایی ها همواره منطقه خلیج فارس را به عنوان یکی از مناطق اصلی حضور نظامی خود قلمداد کرده اند و استقرار دائمی در آن، همیشه یکی از اهداف اصلی آنها بوده است. در چنین قالبی، دولت اوباما تلاش می کند در کنار «استراتژی خروج» از عراق و افغانستان، استراتژی های جایگزینی را برای عملیاتی سازی ارائه کند که نمونه اولیه آن را می توان در حضور عناصر جاسوسی و امنیتی در قالب سفارتخانه و نیز حضور نظامی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مشاهده کرد.

بنابراین به نظر می رسد که آمریکایی ها با خروج نظامی از عراق تلاش خواهند داشت تا حضور فراگیر خود را در کشورهای که دارای بیشترین پایگاه نظامی هستند بازنگری کرده و راهبردهای جایگزین را در پیش بگیرند که چنین الگوی رفتاری می تواند به تحول در ترتیبات امنیتی مد نظر آمریکا بیانجامد. در همین رابطه هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا پس از اعلام اوباما مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکا در عراق گفت: ما به حضور قدرتمند خود در منطقه ادامه می دهیم که نشان دهنده ادامه تعهد ما برای حفظ امنیت در عراق و تضمین آینده منطقه است.

جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به فرصت ها و تهدیدهای موجود، ضمن حمایت از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، اقدامات و سیاست هایی را در دستور کار خود قرار دهد. از جمله حمایت از دولت عراق و وحدت ملی این کشور مهمترین اقدامی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بعد از خروج آمریکایی ها، عراق با ثبات بهترین گزینه برای کشورهای منطقه و به خصوص جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. در نتیجه باید تا حد ممکن روابط همه جانبه با عراق را در اولویت قرار داد تا این کشور شرایط پس از اشغال را با مسائل و مشکلات کمتری طی کند. در غیر این صورت بی ثباتی در عراق می تواند سایر کشورها را با همان مسائل و مشکلات مواجه سازد.